

نقاشان شیراز شهر جاویدان

از زمانیکه برای اولین بار اروپائیه‌ها نقاشی ایرانی را طرف توجه قرار دادند و آنرا مینیاتور نامیدند تا امروز که چندین صد کتاب و مقاله به زبانهای خارجی راجع به مینیاتور ایران نوشته شده، روشهای مختلف، و گاهی متضاد، راجع به هنر نقاشی ایران اتخاذ گردیده است.

نخست چند نفر از دانشمندان فرانسوی مانند «بلوشه» و «هانری میژون» تصور کردند ریشه این هنر از هنر بیزانس روئیده شده است. بعضی دیگر از دانشمندان ورود مغول به ایران را باعث به وجود آمدن هنر نقاشی ایران دانستند. ضمناً همه آنها معتقدند که در عهد ساسانیان کتب مصوری در ایران وجود داشته و از جمله کتب مانی را نام می بردند که حتی تا قرن سوم هجری نمونه‌هایی از آن در ناحیه ترکستان چین موجود بوده و بعضی از آنها را دانشمندان آلمانی در ویرانه‌های تورفان از زیر خاک بیرون آورده‌اند.

در آخرین کتابی که آقای «بازیل گری» در سال ۱۹۶۱ چاپ کرده، و قطعاً بهترین کتابی است که راجع به هنر نقاشی ایران نوشته شده، شهر شیراز در ایجاد هنر نقاشی ایران در دوران اسلامی در درجه اول اهمیت قرار داده شد و ما را از این ناراحتی که صفحات مصور زیبای پدرانمان از بیزانس یا از صحاری آسیای مرکزی آمده باشند خلاص کرده است. اگر واقعاً مغول یا بیزانس‌ها به پدران ما هنر نقاشی یاد داده در عالم هنر تقلید و اقتباس ننگی نیست، ولی ناراحتی ما از این نظر بود که بیش یا کم احساس می کردیم که هنر ما باید اصالتاً ایرانی باشد.

در واقع شهر شیراز، در منار موطن اصلی شاهنشاهی هخامنشی، غالباً وارث فرهنگ و تمدن ایران قدیم بوده. هنوز مهمترین آثار دوران های پر افتخار پدران ما در ناحیه فارس و اطراف شهر شیراز قرار دارد. شیراز، در دورانی که مغول خاک ایران را بمنزله میدان است سواری برای تاخت و تاز خود بشمار آورده بودند، به دلایلی از میدانهای مبارزه دور مانده بود. در ناحیه فارس و اطراف شهر شیراز کوه های سختی وجود دارد که مناسب حملات دسته جمعی اسب سواران برای سرکوب کردن قبایل پارتیزانی علاقه زیاد نشان نداده اند. جلگه های وسیع خوارزم و ورامین و ری و نیشابور و مرو و سمرقند برای آزمایش سواره نظام مغول، مناسب تر بود.

بسیاری از کتب مصوری که امروز در موزه های مختلف خارجی یا در کتابخانه سلطنتی موجود است، یا در شهر شیراز نوشته شده و امضاء و تاریخ دارد، و یا به سبک نقاشان شیرازی ساخته شده است. نویسندۀ این مقاله سعی خواهد کرد این موضوع را با خوانندگان این مجله در میان بگذارد و این مطلب را روشن نماید

ابتدا پیشنهاد می‌نماید کلمۀ مینیاتور را از روی صفحات مصور کتب ایرانی برداریم، تا با مینیاتورهای بیزانس و دیگر کشورها اشتباه نشود. ممکن است برای مفهوم صفحات مصور کلمۀ ساده تری پیدا کرد، ولی تصور می‌رود کلمۀ صفحات مصور بیش از اصطلاحات دیگر با آنچه که خارجی مینیاتور می‌نامند تطبیق کند، و به این طریق نقاشی ایرانی شامل نقاشی‌های دیواری در دوران اشکانی و ساسانی و صفحات مصور در دوران اسلامی می‌گردد.

قدیمیترین نسخ خطی که شامل صفحات مصور باشند کتاب *منافع الحيوان* تألیف ابن بختیشو است که در سال ۶۹۸ در مراغه نوشته شده و امروز در کتابخانه «مرگان» در شهر «نیویورک» حفظ می‌شود. ما در اینجا عکس یک صفحه از این کتاب را برای نمونه می‌دهیم

خوانندگان بخوبی تشخیص می‌دهند که این صفحه کتاب فاقد بسیاری از خصوصیات تصویر کتب به سبک ایرانی است. مثلاً در این صفحه مقدار سطحی که به آسمان داده شده بسیار زیادتر از سهم زمین و تپه و غیره است. به علاوه سعی شده است که بیش یا کم از طبیعت تقلید شود، و نقاش برای تهیه این تصویر جنبه تزینی را در نظر نگرفته و واقعاً خواسته است اسب را آنطوریکه هست نشان دهد. با این حال بعضی از خصوصیات معمول در صفحات مصور در این نقش دیده می‌شود. مثلاً اصول پرسپکتیو در این نقش رعایت نشده، و بوته‌هایی که در عقب صفحه قرار گرفته اند با بوته های جلو یک اندازه اند. به علاوه جزئیات برگهای درخت نقش شده، در صورتیکه عملاً وقتی می‌خواهیم درختی را در صفحه نقاشی بیاوریم جزئیات آن به چشم نمی‌خورد. در این صفحه تنها یک اثر از نقاشی چینی موجود است و آن تنۀ درخت می‌باشد که به سبک چینی نقاشی شده. شکی نیست که در دربار پادشاهان ایلخانی هنرمندانی از چین رفت و آمد می‌کرده اند، یا لاقلاً صفحاتی از کتب مصور چینی در مراغه موجود بوده، و یا شاید نقش درخت را هنرمند ایرانی از روی نقوش روی ظروف چینی یا پارچه های ابریشمی چینی، که بدون شک در مراغه در آن زمان موجود بود، کسب کرده است

متأسفانه نام نقاش در زیر صفحه نوشته نشده ولی برای نویسندۀ این مقاله یقین حاصل است که هنرمندانی که در آن زمان در شیراز هنر خود را فر گرفته بودند برای کسب معاش به دربار ایلخانیان مراغه و تبریز آمده اند و برای پادشاهان ایلخان کار

می‌کرده‌اند و این مطلب در ضمن مقالات آینده یعنی هنگامیکه هنر نقاشی شیراز را در همین دوران مطالعه خواهیم نمود ، روشن‌تر خواهد شد.

در ابتدای این مقاله گفته شد که کتبا منافع الحيوان در تاریخ ۶۹۸ در مراغه نوشته شده . اینک در شکل (۲) صفحه‌ای از شاهنامه کاخ توپ قاپوی اسلامبول را که در تاریخ ۷۷۲ در شهر شیراز نوشته شده ارائه می‌دهد که این هنر لااقل چندین قرن در آن شهر سابقه داشته و در این صورت ادعای نویسنده که هنرمندی که صفحات منافع الحيوان را مصور کرده از شیراز به مراغه برای خدمت پادشاهان ایلخان رفته باشد بعید به نظر نخواهد رسید.

در این نقش بهرام گور اژدهایی را از پای در آورده و برعکس صفحه منافع الحيوان، آسمان در این نقش سطح بسیار کوچکی را اشغال کرده و ترکیب رنگها بسیار هنرمندانه‌تر از صفحه منافع الحيوان انجام گرفته است. رنگ آبی آسمان در بال با رنگ آبی اژدها در پایین تعادل بسیار با تناسبی به وجود آورده و شلوار آبی بهرام در میان صفحه بر قوت این تناسب افزوده است و این همان کاری است که مثلاً «رامبراندت» در تابلوی «کشت شبانه» انجام داده است.

اژدها که حیوان وحشتناکی است به صورت بازیچه ای در آمده تا بهانه ای برای ترکیب رنگها باشد. خطوط منحنی و پیچ در پیچ اژدها ما را بیاد خطوط موزون و با تناسب دخترهای رضای عباسی ، نقاش معروف عهد شاه عباس می‌اندازد. چه اثری از چین و از مغول در این نقش است. البته اژدها چینی است، و در روی بسیاری از ظروف چینی در آن زمان نقش شده ، و نقاش شیرازی آنرا دیده، و مورد پسند او قرار گرفته است. قیافه بهرام هم کمی مغولی است، ولی نویسنده در این گفته خود تردید دارد ، زیرا درست است که صورت مانند قرص ماه شب چهارده است، ولی آیا با سلیقه آن زمان در شیراز قیافه نظیر قرص ماه شب چهارده نبوده است. آیا حافظ و سعدی در ادبیات خود این قیافه را کمال زیبایی ندانسته اند. به هر حال ابروان کمانی بهرام همان است که حافظ آنرا معرفی کرده و اکنون نیز در شهر شیراز کمیاب نیست. آیا دهان غنچه ای که نقاش برای بهرام کشیده مورد توجه مردم شیراز بوده است.

با توجه به این نکات ، این مطالب کاملاً روشن می شود که این صفحه مصور اصالتاً شیرازی است، و در شهر شیراز است که هنر نقاشی ایران به حد کمال رسیده ، و برای این کار احتیاجی به تقلید از بیزانس یا چین نبوده است.

اسب بهرام گور با اسبهایی که شاهپور و بهرام در عهد ساسانیان سوار می شوند و بارها روی ظروف نقره و طلای آن زمان نشان داده شده قابل مقایسه است، و حرکت دست بهرام در این نقش کاملاً نظیر همان حرکت در روی نقوش برجسته نقش رستم و شهر نیشابور ، نزدیک کازرون ، می باشد

در حقیقت با مقایسه این صفحه مصور با ظروف فلزی عهد ساسانی و نقوش برجسته آن زمان در روی سنگ یا نقوش زری های آن دوره، این مطلب روشن می شود که هنر نقاشی شیراز دنباله هنر دوران های قدیم ایران است. مایه تأسف است که به علت اشکالات مربوط به چاپ نمی توان صفحات نقاشی ایران را آنطوریکه هست در این مقاله معرفی کرد. با این حال برای لذت چشم خوانندگان صفحه ای از کتاب خاجوی کرمانی را که امروز در موزه بریتانیا است ارائه می دهد (شکل ۳). و از خوانندگان تمنی می شود با دقت به جزئیات آن توجه فرمایند. همایون سوار بر اسب است و مقابل دروازه خانه زیبای همای ایستاده، و با حسرت به آخرین طبقه منزلی که همای روی ایوان آن ایستاده نگاه می کند. همای با قیافه ای چون قرص ماه و ابروانی کمانی و دهنی مانند غنچه گل، سر خود را خم کرده، همایون را با نگاه حسرت آمیزی نظاره می کند. در بالای صفحه روی درخت سرو بیت زیر نوشته شد

چو مه را ملک بر لب بام دید

مسلسل به گرد مهش شام دید

در اطراف خانه همه چیز نشاط جوانی را نشان می دهد. زمینه تپه و گلزار صورتی کم رنگ است و از گلهای رنگارنگ پوشیده شده. درخت سرو شیراز نشانه ای از این است که این صفحه نقاشی بدست یک شیرازی انجام گرفته، و به جای امضای اوست. با این حال کتاب دیوان خاجوی کرمانی در تاریخ ۷۹۹ در شهر بغداد نوشته شده. نام نقاش جنید است و «جنید» اهل شیراز است (درختان سرو شیرازی و سبک کار او شاهد این مدعا است) که برای خدمت به امرای بغداد به آن شهر رفته است. نویسنده کتاب می رسد علی تبریزی است که خط نستعلیق را بوجود آورده بنابراین نقاش شیرازی و خوشنویس تبریزی دست به دست هم داده اند تا در شهر بغداد شاهکارهای بوجود آورند. پاره ای از دانشمندان به ملاحظه اینکه این کتاب در بغداد نوشته شده مکتبی بنام مکتب بغداد اختراع کردند و در نتیجه در اشتباهاتی افتادند. جنید شاگرد شمس الدین شیرازی بود که برای کسب معاش مدتی در بغداد در خدمت امرای آن ناحیه درآمد. وی نخستین نقاش ایرانی است که در زیر صفحه ای از شاهکارهایش امضاء کرد